

## نشریه غدیر خم سراسر جعلیات و مخالف قرآن است

بسمه تعالی

جناب آقای دکتر میمندی نژاد وفقه الله لمرغاته

پس از عرض سلام و تقدیم ادعیه خالصه، دوستان ما که مشتری مجله رنگین گمان شده اند به ما پیشنهاد کرده اند که به حضرتعالی تذکر دهیم بنابر کانون انتشارات شریعت که معلوم نیست مدیران آن چه کاره اند خطبه غدیره ای بنام رسول خدا (ص) انتشار داده اند که سراسر آن خطبه خرافات ضد قرآنی است پس از این بنده خواستند مقداری از اشکالات و ایرادات آنرا بفرستم نزد شما که در مجله مرقوم دارید... الخ

غره شعبان المعظم ۹۴ الاقل السید ابوالفضل علامه برفعی

رنگین گمان - در صورتیکه ناشران خطبه استدلال منطقی دارند بدینوسیله چاپ خواهیم کرد و اگر جوابی ندارند خوانندگان مجله اعتراضات وارده را قبول شده تلقی خواهند کرد...

-----

مدیران محترم کانون انتشارات شریعت  
وفقهم الله لمرغاته

نشریه شما بنام خطبه پیامبر اکرم (ص) در غدیر خم اشکالات زیادی دارد؛  
اول، اینکه شما راویان خطبه غدیر را ذکر کرده اید ولی راویان خطبه را نام نبرده اید و ما گمان نمی کنیم سندی داشته باشد و خود شما اگر مسلمان باشید این خطبه را نخواهید پذیرفت.

دوم، اینکه این خطبه اگر راست باشد، باید گفت رسول خدا (ص) با کتاب آسمانی خود نمودبالله بازی کرده و یا راویان جعلال این خطبه به قرآن و اسلام عقیده نداشته اند ماصد ایراد در این خطبه داریم و این خطبه را مخالف قرآن می دانیم و در اینجا چند ایراد آنرا ذکر می کنیم:

۱- در صفحه ۲۶ نشریه شما آیه: **إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ** را که بفریته آیات قبل و بعد آن، در نهی از دوستی با کفار وارد شده و می خواهد بفرماید خدا و مؤمنین را دوست خود بدانید، آمده. اختصاص به علی (ع) داده و حال آنکه تمام

بدهد آنهم انگشتن بر قیمتی که بقدر خراج نام و با طبق روایات دیگر چندین میلیون درهم ثمن آن باشد، آیا در حالیکه تمام مسلمین فقیرند جابر است چنین انگشتی را به یک نفر فقیر بدهد و با خود در دست نگه دارد؟ آیا چنین انگشتی را از کجا آورده با ضافه علی (ع) که در حال نبود بیکان تیراز قدم مبارکش کشیدند متوجه نشد چگونه در حال رکوع متوجه سائل شد. با ضافه وهم را کمون حال است برای ضمیر یثون الزکاة، یعنی مؤمنین زکات خود را در حال خضوع می دهند نه حال تکبر و منت، اما در این خطبه حال گرفته برای ضمیر «یقیمون» که أبعد است و الاقرب یمنع الابعد... با ضافه پیغمبری که چنین داماد شروتمندی دارد نباید در مسجد او کسی گدائی کند و باید انگشتش او را بفروشد و به همه فقرا تقسیم کند.

۲- در صفحات ۳۴ و ۳۵، آیه: **مَا أَنزَلَ إِلَيْكُمُ** را رجع به خلافت گرفته و حال آنکه تمام آیات قرآن ما أنزل است و خدا مکرر در قرآن فرموده: **يُؤْمِنُونَ بِمَا أَنزَلَ إِلَيْكُمُ** در تمام آنها «ما، موصوله» مفید عموم است و برای

آیه بفرماید آن آیه نازل شده را برسان، حال بگوئید وجوب نصب الخلیفه درجه موره و کجا بوده است که رسول خدا (ص) ترسانیده و در اینجا سفارش باشد که آنرا برسان.

۳- اگر طبق این تشریه و این خطبه واللّه بعصمک من الناس إن الله لا یهدی القوم الکافرین مقصود از «ناس» و مراد از «قوم کافرین» اصحاب رسول باشد طبق روایات معموله که رسول خدا (ص) از آنان میترسیده، پس تمام اصحاب رسول (ص) به قرآن و احکام اسلامی کافر بوده اند جز سه نفر، در این صورت نمیتوان اعتماد کرد زیرا هرچه نقل شده از اصحاب کافرین نقل شده و اعتباری ندارد و اسلام از حیثیت می افتد و مانند دیسین یهود و نصاری می شود. باضافه چگونه اصحاب رسول (ص) تنها ما کافر بوده اند که رسول خدا (ص) از ایشان میترسیده و نمیخواست ابلاغ کند اما شما پس از هزار سال همه موحد و مسلمان خالص هستید چگونه و کدام عاقل باور کرده که مهاجرو انصار که جانها فدای دین کرده اند همه کافرند و شما مسلمانانید و الا سفاهاه آیا بهتر از این تشریه میتوان با قرآن و اسلام بازی کرد ما هم مانند شما سابقا خیال می کردیم این روایات معموله صحیح است و کول دانشمندان غرافاتی را خورده بودیم. باضافه آیه بعد از این آیه فرموده: قل یا اهل الکتاب لستم علی شیء حتی تعیموا التوراه و الانجیل تا فلا تأس علی القوم الکافرین، که «الکافرین» با الف و لام تکرار شده و اشاره به همان کافرین یهود و نصاری است زیرا این آیات بکمرتبه نازل شده زمانیکه تمام حجاز مسلمان شده بودند و رسول خدا (ص) ترسیمی نداشت بلکه اعلان طرفیت داده بود پس امپراطور نصاری و یهود و از آنان و اهمه داشت و یهود و نصاری به نصب خلیفه نفیاً و اثباتاً کاری نداشتند پس این آیات مربوط به خلافت نیست و ما نباید تناسب آیات را ندیده بگیریم و قرآن را از اعتبار و فصاحت ببندیم. آیه آیه آنرا غیر مربوط به یکدیگر کرده اید برای خاطر خلافت پس از هزار سال. آیا اگر علی (ع) زنده شود به این کار شما خوشنود است؟ آیا زمان حاضر بحث از خلافت جز ایجاد نفاق و جنگ داخلی بین مسلمین چه نتیجه دارد؟

اگر از ایجاد نفاق و تفرقه به آن کانسون نفی می رسد ما را سختی نیست.

۴- طبق این تشریه خلافت تمام دین و اصل دین و اثبات آن اثبات دین و انکار آن انکار دین است، پس خدا یتمالی چرا در قرآن ذکر نکرده و مکرر فرموده: آمنوا باللّه و رموله والیوم الاخر، و فرموده: وال مؤمنون کل آمن باللّه و ملائکته و کتبه و رسله، و فرموده بخلاف من نعبه الرسول، آیا خدا فراموش کرده و یا تقیه نموده و یا رسول او از ابلاغ کوتاهی کرده و یا خدا استاد سخن نبوده و نتوانسته واضح بگوید. نمود باللّه.

۵- در صفحه ۳۲ در خطبه آمده: ما من علم إلا و قد احصاه الله فی، و این جمله مخالف حد آیه قرآنست، اگر رسول خدا (ص) تمام علوم را داشت چرا خدا به او فرموده و من اهل المدینة مردوا علی النفاق لا تعلمهم نحن نعلمهم، و چرا خدا به او میگوید: قل انسی لا أعلم الغیب و میفرماید: لا تدری لعل الله یحدث بعد ذلک امرا و آیات دیگر.

۶- طبق صفحه ۳۶ تشریه شما: و الحجة علی جمیع المخلوقین من اهل السموات و الارض فمن شک فی ذلک کافر، حال اگر کسی خدا و رسول و قرآن را بپذیرد و رمول را مبعوث بر کافه الناس طبق قرآن بداند و رسول بر اهل آسمانها نداند کافر است. بنا بر این خود ائمه که فرموده اند بعثه حجه علی اهل الارض دون السماء همه کافرند. باضافه در همین خطبه صفحه ۴ ذکر کرده اید که حکامه فی ارضه، و قرآن میگوید: وعد الله الذین آمنوا... لیمتخلفهم فی الارض و فرموده فی السماء.

۷- در صفحه ۴۲ در خطبه آمده الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت... که در اول سوره مائده راجع به تحریم محرمات و تکمیل قانون آمده و مربوط به امامت نیست میگوید: اکمل الله دینکم با امامته، و این اقراء است.

۸- صفحه ۴۴: و لانزلت آیه مدح فی القرآن الا فیهِ و لانزلها فی سواه، آیا این دروغ باین بزرگی را باور کرده اید آیا خدا در قرآن از انبیاء و مرسلین و بندگان ابرار و مؤمنین و متقین مدح نکرده از حضرت آسیه و مؤمن آل فرعون و حبیب نجار و حضرت مریم

مدح نکرده؟ آیا از مهاجرین و انصار مدح نکرده؟ آیا در این خطبه رسول خدا (ص) از قرآن خود بی خبر بوده و یا خدا نعوذ بالله دروغ گفته و یا راوی این خطبه با قرآن بازی کرده است.

۹- صفحه ۴۴: فی هل أتى على الإنسان إلا له و لامدح بها غیره، اگر این جملات را راست میدانید معلوم میشود ابراری نیست جز علی (ع) و انسانی نبوده و نیست جز علی (ع)، حال میگوییم، خیلی خوب، این سوره فقط راجع به علی (ع) است، آیا شما میدانید که خدا در این سوره فرموده: **إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ**، پس طبق این آیه علی (ع) از نطفه پدرش ابوطالب و مادرش فاطمه بنت اسد خلق شده نه از نور صدهزار ساله، آیا قبول دارید یا خیر؟

۱۰- صفحه ۲۸ راجع به منافقین فرموده: **لَوْ تَوَخَّتُمْ أَنْ أُسمِيَ بِأَسْمَائِهِمْ لَسَمِيتُ**، اگر این جمله را راست میدانید خدائی که منافقین را به رسول خود معرفی کرده ستار العیوب است و یا هتاک الستور، اگر این جمله راست باشد آیه: **وَمَنْ أَهْلَ الْمَدِينَةِ** مردوا علی التفاق لاتعلمهم، و آیه: **لَمْ أَذَنْتْ لَهُمْ** حتی یثبین لک و آیات دیگر همه دروغ می شود و شاید رسول خدا (ص) متوجه نبوده که این آیات در قرآن آمده که چنین فرموده است نعوذ بالله.

۱۱- صفحه ۴۰: **لَنْ يَفْتَرِقَا** حتی یردا علی الموض، اگر شما این جمله را قبول دارید پس جراحان را خبرهای ضد قرآنی را به علی (ع) و ائمه اهل بیت نسبت میدهد و تمام مطالب ضد قرآنی را از ایشان میدانید آیا کسیکه ضد قرآن بگوید از قرآن جدا نشده؟ خدا در قرآن به رسول خود میگوید: **قُلْ لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا**، ولی شما ایشان را همه کاره جهان میدانید خدا فرموده: **وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بَطْنِ أُمِّيَاتِكُمْ** لاتعلمون شئنا، ولی شما میگویید قبل از تولد همه چیز را میدانند!!

۱۲- صفحه ۴۴: **إِنَّا صَاطِلٌ مِنَ الْإِنْسَانِ**، این جملات را اگر قبول دارد، پس چرا شب و روز در تمام مجالس و محافل به اهل سنت و بد میگوئید با اینکه ایشان علی (ع) را دوست دارند و او را افضل اصحاب میدانند و خاتم خلفاء را شدین گویند، آیا بدگویی و فحاشی به مسلمان جایز است؟

۱۳- صفحه ۵۰: **إِنَّا صَاطِلٌ مِنَ الْإِنْسَانِ** المستقیم، اگر این راست است، رسول خدا (ص) که در هر نماز میگوید: یا هدی

میخواهد که او را به خودش هدایت کند و یا به سوی علی (ع)؟ آیا بهتر از این میشود با قرآن بازی کرد؟

۱۴- صفحه ۵۴: **وَهُوَ مَوَاعِيدُ اللَّهِ**، آیا مواعید خدا عذابها و عقابهای او می باشد و یا تنها ما علی (ع) است؟ این سخن را کسی میگوید که با آن حضرت دشمن و از انصاف و عقل بس دور باشد و از خدا نترسد و این سخن از رسول خدا (ص) نیست، شما چگونه چنین افتراء بها و زده اید؟ آیا دوست نا دانید یا دشمن دانا.

۱۵- صفحه ۶۲: **وَأَنِّي مُنذِرٌ** و علی هادی، آیا طبق این جمله رسول خدا (ص) هادی نیست بلکه فقط علی هادی است، پس آیه ۵۲ سوره شوری که خدا رسول خود را هادی خوانده و فرموده: **إِنَّا كُنَّا نُنْذِرُ الْكَافِرِينَ**، آیا خرافات صفحه ۶۲ همه را باور کرده اید؟ آیا اینها مبطل مرم شهر رمضان نیست؟

۱۶- صفحه ۷۰: **وَلَا أَمْرٌ** بمعروف و لاینبی عن منکر إلا مع امام معصوم، بنا بر این زمان ما که امام معصومی در میان نیست امریه معروف و نبی از منکر با قاطع و حکم آن منسوخ است آیا استعمار و مردم کفار بهتر از این می خواهند؟

۱۷- صفحه ۷۲: **وَقُولُوا إِنَّمَا أَكَلُوا** بذلک و ایاک و علیا و الحسن و الحسین و الاثمه، آیا این تکلیف ما لایطاق و یا محال نیست کسیه اصحاب رسول از امامان بدنیا نیا مده اطاعت کنند؟ آیا دین اسلام که سهل است همین است؟

۱۸- صفحه ۷۶: **بَايَعُوا عَلِيًّا وَالحسن و الحسین و الاثمه**، بیعت با امامان غیر مکلف و غیر موجود چه صورت دارد؟ آیا شما را خنده نگرفت از این خطبه؟

۱۹- صفحه ۳: نوشته اید: **بِأَزِينِ** کتاب یعنی قرآن بتنهایی و از نزد خود نمی توانید بهره مند شوید جز بتفسیر علی (ع)، و در صفحه ۲۸: **وَلَا يَرْضَى لَكُمْ تَفْسِيرَهُ** الا الذی اتاه الله بیده یعنی علی (ع)، ما را اینجا چند سؤال است: اول چگونه همین اصحاب رسول یعنی همان امراب بی سواد و یا با سواد زمانی که به خدا و رسول و معاد اعتقاد نداشتند بشنیدن قرآن مجذوب و هدایت شده و ایمان آوردند؟ آنان بدون تفسیر علی (ع) چگونه فهمیدند پس معلوم میشود یا رسول خدا در این خطبه دروغ فرموده و یا نعوذ بالله خدا که فرموده: **هُدًى لِلنَّاسِ وَآيَاتٍ بَيِّنَاتٍ** و لقد یسرنا القرآن تنام شوخی بوده و حقیقت نداشته و یا شما و سایر ناقلین خطبه دروغ میگویید، شما اگر قرآن قابل فهم و بهره نباشد جز بتفسیر علی

(ع) چگونه ابوسفیان و ابوجهل مردم را منع می‌کردند از شنیدن آنچه نمی‌فهمیدند. ثالثاً اگر قرآن قابل فهم نباشد جز بتفسیر علی (ع) چرا علی (ع) در ایام خانه نشینی و یا در ایام خلافتش تفسیری برای قرآن ننوشت آیا بخل و یا خیاست کرد و یا خواست قرآن نامفهوم بماند تا قیامت نمود با الله.

۲۰- آیا شما از بی‌اندکی در مقدمه این خطبه چه مقصود دارید؟ اگر مقصود اظهار فضل و ادب است، ما از شما که اهل فضل و ادب و مشعل دار هدایت می‌باشید سؤال می‌کنیم پس از این همه فضل آیا قرآن را می‌فهمید یا خیر؟ آیا چیزی از قرآن درک می‌کنید یا خیر؟ اگر می‌گوئید خیر، پس شما که قرآن را نمی‌فهمید چرا مبلغ قرآن و اسلام شده‌اید و اگر درک می‌کنید پس چرا خطبه‌ای که مخالف قرآن است پذیرفته و منتشر ساخته‌اید، شما که در صفحه خود را مشعل دار میدانید آیا مشعلی دارید یا خیر؟

۲۱- از صفحه ۷ تا صفحه ۱۰ مؤلفین و راویان حدیث غدیر را نوشته‌اید، آیا این مؤلفین و راویان را مؤمن و عادل و هدایت یافته میدانید یا خیر؟ اگر مؤمن و عادل نمی‌دانید چرا از ایشان نقل خبر کرده‌اید؟ و اگر مؤمن و عادل میدانید پس چرا شب و روز روضه خوانی نموده و روضه خوانهای شما بدگوی و فحاشی می‌کنند نسبت به ایشان، و شما با کتید و چرا علمای رجال و حدیث شما اکثر این راویان را کذاب و جعل و منافق و ملعون شمرده‌اند؟ این مؤلفین و راویان چرا خود شیعه شده‌اند و شما میخواهید بگفتار ایشان سائیرین را شیعه کنید. اینان اکثر سنی و یا بعقیده شما و صریح این خطبه کافر از دنیا رفته‌اند، نویسنده چون شما را طالب هدایت و اهل تحقیق نیافته‌ام راویان را معرفی نمی‌کنم چون نامه طولانی خواهد شد ولی اگر جویا شوید بیان خواهد شد که مؤلفین شیعه اکثر ایشان را منافق و ملعون و گمراه شمرده‌اند، شما خیال نکنید نویسنده این سطور شیعه خرافی و یا سنی خرافی است خیر او مسلمان است و شیعه حقیقی و سنی واقعی است.

۲۲- لابد از جمله مؤلفین حدیث غدیر، خود مدیران کانون انتشارات شریعت می‌باشند که اگر بفهمند چه نوشته‌اند باید از خجالت آب شوند و این همه تعریف و مداحی از خود و بزرگان خود در صفحه نکنند: لا تزکوا أنفسکم کلام خدا را گویا ندیده‌اند، ما اگر به هدایت شما امید داشتیم باقی اشکالات این خطبه را می‌نوشتیم، اگر اقرار و اعتراف کنید به دلائل ما معلوم می‌شود طالب هدایتید، این چند کلمه

مرقوم شده لثلاً بقولوا يوم القيامة إننا كنا عن هذا غافلين، فقط انتظار ما این است که دست از رسم مسلمین بردارید و بیش از این تفرقه و نفاق نیاورید و از خدا بترسید و گفته‌ها و یافته‌های ضد قرآنی بعضی روضه خوانها را باور نکنید و لعن‌هایی که در این خطبه و امثال آن برای دشمنان علی (ع) وارد شده برای اهل این زمان ننویسید و منتشر مسازید زیرا در این زمان علی (ع) را دشمنی نیست جز شیعیان دروغی، ولی تمام فرق مسلمین بلکه کفار علی (ع) را دوست دارند، اگر معاویه بر سر ریاست با علی (ع) عداوت ورزید اهل این زمان چه تقصیری دارند؟ آیا مردم این زمان چه خاکی بر سر کنند فعلاً که حکومت و خلافتش نمانده، خدا فرموده: تلك أمة قد خلت لها ما كسبت و لكم ما كسبتم و لا تستلون عما كانوا يعملون، اهل این زمان که مسؤول اعمال گذشتگان نیستند، آن زمان که علی (ع) زنده و در مقابل دشمنان و امانده و محتاج به دوستی و یاری بود شیعیان با او و اولادش خیاست کردند و او را دق کش کردند، حالا دوستی شما شیعیان دروغی منافق به چه درد او می‌خورد؟ فعلاً فقرای شیعه خانه و زندگی و خوراک ندارند و شما در موضعی یاری ایشان کنید و گلدسته‌ها و علمها و ضریحها میسازید و با کلام خدا و سنت رسول مبارزه می‌کنید، شما طبق همین خطبه مجمله که در بین آن در صفحه ۲۸ آمده: تدبروا آیات القرآن، در قرآن تدبر کنید. و چون خدا و رسول و ائمه فرموده‌اند هر حدیث مخالف قرآن را دور بیندازید که باطل و مزخرف است این خطبه را کنار گذارید شما حاضر نیستید مردم را به قرآن آشنا سازید بلکه با اهل آن مبارزه می‌کنید، بخدا قسم نه علی، شما را تیمه خود می‌داده و نه سایر امامان و بلکه شاید شما را مسلمان ندانند، بروید بدنبال عقل و لجاجت نکنید و اللهم اهد قومی فاشهم لا یعلمون، کتبت کتابه ناصح مشفق قربة إلى الله.

الأقل السيد ابوالفضل البرقي